

## تحلیل کیفی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در زوجین متأهل

بابک اسلام زاده<sup>۱</sup>، فاطمه صادقی<sup>۲</sup>، معصومه اسمعیلی<sup>۳</sup>

## مقاله پژوهشی

## چکیده

**مقدمه:** روابط فرا زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل تهدید کننده ازدواج بین زوجین است. درک عوامل بازدارنده روابط فرا زناشویی ارزش بسیار بالایی در حفظ ثبات و کیفیت ازدواج دارد؛ بنابراین، پژوهش حاضر باهدف تبیین تجارب زوجین متأهل در مورد عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی، انجام شد.

**روش:** این پژوهش از نوع کیفی بود و در آن از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شد. نمونه‌ها از بین زوج‌هایی انتخاب شدند که یک سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذشت، برای این منظور تعداد ۱۹ نفر به روش هدفمند انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق بود و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استرواس و کوربین (Strauss and Corbin) استفاده شد، متمرکز بر نمونه‌گیری نظری، هدفمند و توسعه مفهوم.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که ۳ دسته عوامل شامل **عوامل درونی** (خودآگاهی، معنویت و ترس)، **عوامل بیرونی** (بافت و فرهنگ، دوراندیشی و خانواده) و **عوامل ارتباطی** (شامل صمیمیت معنوی و صمیمیت ارتباطی) به‌عنوان عوامل بازدارنده از روابط پنهانی مؤثر می‌باشند.

**نتیجه‌گیری:** بررسی عواملی که آرامش و ثبات خانواده را به‌عنوان سنگ زیربنای جامعه تهدید می‌کند ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر مشخص شد که مجموعه‌ای از عوامل درونی، بیرونی و ارتباطی، افراد را از روابط فرا زناشویی مصون می‌دارند. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در کمک به تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در زمینه خیانت زناشویی مورد استفاده قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** تحقیق کیفی، عوامل بازدارنده، ازدواج، روابط فرا زناشویی

**ارجاع:** اسلام زاده بابک، صادقی فاطمه، اسمعیلی معصومه. تحلیل کیفی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در زوجین متأهل. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۸؛ ۸(۱): ۸۳-۹۵

تاریخ چاپ: ۹۸/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۱

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: babak.eslamzadeh@gmail.com

نویسنده مسئول: بابک اسلام زاده

## مقدمه

پیمان ازدواج، یک مقوله انسانی خاص است. با توجه به اینکه انسان موجود ثابتی نیست، مقوله‌های انسانی در قالب یک تعریف ثابت نمی‌گنجند. پس از ازدواج، افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول ازدواجشان از نظر جنسی و عاطفی وفادار بمانند (۱). لغت‌نامه انگلیسی آکسفورد، رابطه‌ی نامشروع را به‌عنوان رابطه‌ی جنسی یک فرد متأهل با فردی غیر از همسر، تعریف می‌کند؛ اما در تحقیقات اخیر، این تعریف گسترش پیدا کرده است که شامل خیانت زناشویی (روابط جنسی بدون هیچ درگیری عاطفی)، خیانت عاطفی (مبادلات عاشقانه بدون هیچ درگیری جنسی) و درگیری جنسی و عاشقانه است (۲). خیانت زناشویی به‌عنوان یک راز جنسی، عاشقانه یا درگیری عاطفی که منجر به نقض تعهد رابطه زناشویی می‌گردد، تعریف می‌شود (۳). خیانت زناشویی بر اساس تعریف کلی نقض رابطه دو نفره است که منجر به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه می‌شود (۴). هرچند برخی از پژوهشگران معتقدند که روابط پنهانی ممکن است بیشتر مسائلی فردی باشند تا اینکه رابطه‌ای (۵). خیانت یک مشکل جدید نیست و زوجها متعددی تحت تأثیر آن قرار دارند. خیانت می‌تواند تبدیل به چالش مهمی برای زوجها شود که یکی از سخت‌ترین موارد برای درمان است (۶).

نهاد خانواده در سراسر تاریخ، دارای وجوه اشتراک زیادی در کارکردها و تعارضات بوده است. کسانی که با خیانت همسر مواجه می‌شوند ممکن است طیف وسیعی از رفتارها از جمله اضطراب، بخشش و انتقام را از خود نشان دهند (۷). پیچیدگی ارتباطات صمیمی و اثرات خیانت بر روی آن، ضرورتی را ایجاد کرده که درمانگران از منظرهای مختلف به این اثرات توجه کنند. ارتباطات صمیمی، متعهدانه و دراز مدت، صرفاً به‌عنوان ازدواج یک زن و مرد در نظر گرفته می‌شود و برای روابط دیگر منطقی ندارد. زوجی که زندگی با یکدیگر را انتخاب می‌کنند؛ با ورود فرزندان خانواده‌ای را شکل می‌دهند، تصمیم می‌گیرند صرفاً با یکدیگر زندگی کنند، همه این ارتباطات تنها در قوانین ازدواج تعیین می‌شود (۸). روابط فرا زناشویی هنگام ارتباط با شخص دیگری غیر از

همسر صورت می‌گیرد که با صمیمیت عاطفی، رابطه جنسی و پنهان کاری مشخص می‌شود؛ که وجود هر سه مؤلفه‌ی ذکر شده در این رابطه ضروری است. در مطالعه مربوط به ۱۶۰ فرهنگ گسترده در جهان، در اغلب موارد، خیانت به همسر را به‌عنوان دلیل فروپاشی ازدواج مطرح نموده‌اند. همچنین، مردان مهم‌ترین دلایل اقدام به روابط فرا زناشویی را نارضایتی عاطفی و جنسی ذکر کرده‌اند. تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که نمونه‌ها به ۱۹ عامل در شکل‌گیری خیانت زناشویی اشاره کرده‌اند که در ۳ دسته کلی عوامل شخصیتی (۷ مورد)، عوامل مرتبط با ماهیت رابطه (۵ مورد) و عوامل محیطی (۶ مورد) طبقه‌بندی شدند. این عوامل عبارت‌اند از: سبک دل‌بستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار، نارضایتی عاطفی، عدم تعهد افراد، سبک همسرگزینی، عدم پایبندی مذهبی، تنوع طلبی، اختلاف فرهنگی، اختلاف سنی زوجین و عدم درک متقابل، نارضایتی جنسی، وجود فرصت ارتکاب خیانت، انتقام، کسب اعتماد به نفس، تجربه جویی، جذابیت شخص سوم، فرار از واقعیت، سرگرمی و انحراف جنسی می‌باشند (۹). خیانت به‌عنوان بخشی از رفتار انسان پدیده‌ای بین فردی است که به‌راحتی نمی‌توان آن را مشاهده کرد. اغلب مردم برای داشتن عشق واقعی و روابط متعهد عاشقانه اشتیاق دارند؛ اما با این حال در این روابط به خیانت‌های همسر تهدید می‌شوند (۱۰). می‌توان گفت، خیانت یکی از قوی‌ترین و پیش‌بینی‌کننده‌ترین عوامل انحلال رابطه برای زوجها متأهل است (۱۱، ۱۲). عدم ارضاء عاطفی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر خیانت زناشویی شناخته شده است؛ که ناآگاهی و شناخت ناکافی افراد از نیازهای جنس مخالف خود، عدم ابراز علاقه و ندیدن نقاط مثبت یکدیگر بر این عامل تأثیر دارد. تفاوت در سبک همسرگزینی نیز سبب اختلاف در چگونگی برقراری ارتباط زوجین می‌شود، زندگی مشترک افراد با ازدواج سنتی دوام و پایداری بیشتری داشته و کمتر دچار خیانت می‌شوند. اعتقادات مذهبی و پایبندی به آن نیز به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده عمده‌ای برای خیانت زناشویی ذکر شده؛ به‌گونه‌ای که افراد پایبند به اعتقادات مذهبی تعهد بیشتری به زندگی زناشویی دارند (۱۳، ۱۴). تعهد نیز نقشی انکارناپذیر را در این

پیش‌بینی نمایند. از آنجایی که تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی، یکی از پدیده‌های مسلم علم روانشناسی است به نظر می‌رسد، شخصیت، پیش‌بین مهمی از تأثیرات تفاوت‌های فردی در رفتار جنسی و روابط زناشویی باشد. تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند در کیفیت روابط زناشویی و شکل‌گیری روابط فرا زناشویی تأثیرگذار باشد؛ به طوری که روان رنجوری در مدل ۵ عاملی، با تداوم روابط و رضایت زناشویی ارتباط معکوس نشان داده است (۲۴). در واقع آن چیزی که از روابط در کشاکش مسائل مختلف حمایت می‌کند اعتماد است، اعتمادی که باید اول ساخته و پرورش یابد تا ازدواج از پیامدهای معجزه آسای آن بهره‌مند شود (۲۵). در دوران مدرنیته، ما شاهد تحول رابطه نزدیک هستیم و با از بین رفتن حمایت‌های خارجی سنتی، مجبوریم که در خصوص روابط نزدیک و صمیمی خود بر مبنای اعتماد به مذاکره بپردازیم. آنچه اکنون مورد تقاضا واقع شده اخلاقی کردن مجدد زندگی اجتماعی در جامعه مدرن بر اساس ارزش محوری اعتماد است (۲۶، ۲۷). با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد (۲۸). مطالعات مختلفی در این باب و در قالب کمی، آن هم به شکل بررسی عوامل و پیامدهای این‌گونه روابط انجام شده است (۲۹)؛ لذا پژوهشگران این نیاز را احساس کردند که به جنبه پیشگیری از این روابط آن هم در قالب پژوهش کیفی توجه کنند. چرا که تحقیق کیفی به بررسی درک و تجربیات واقعی افراد در بستر خانواده می‌پردازد و اطلاعات کاربردی‌تر و عینی‌تری را در اختیار قرار می‌دهد (۳۰). با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت این موضوع در زندگی زوجین، پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در زندگی زوجین، انجام شد.

### روش

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد؛ که در آن به تبیین تجربیات و نظرات زوجین درباره عوامل مؤثر در پیشگیری از روابط پنهانی پرداخته شده است.

حیطه بازی می‌کند. تعهد زناشویی، تعهدی است که در آن افراد دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند؛ و برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند. برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواج آن‌ها پاداش دهنده نیست، می‌مانند (۱۵، ۱۶). تعهد در سطحی ساده به معنی دوست داشتن کسی و بودن با او است، ولی در سطح عمیق‌تر یک پیش‌بینی کننده قوی و مؤثر در داشتن زندگی سالم و موفق است (۱۷).

برخی از جنبه‌های خیانت زناشویی انعکاسی از تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به جنسیت می‌باشند، بدین گونه که در مقایسه با زنان، مردان معمولاً تأکید کمتری بر دل‌بستگی هیجانی به روابط جنسی داشته و علاقه زیادی به تجربه‌های جنسی بی‌نام و نشان دارند و تمایل دارند که شرکای جنسی زیادی داشته باشند (۱۸). شواهدی وجود دارد که مردان و زنان به شیوه‌های متعددی در مورد روابط فکر می‌کنند (۱۹). یکی از فاکتورهایی که در پیش‌بینی روابط فرا زناشویی به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته، جنسیت است (۲۰)؛ توجه دقیق به تفاوت‌های جنسیتی مخصوصاً در پارادایم‌های حاضر یکی از الزامات بررسی روابط فرا زناشویی می‌باشد. جنسیت در شرایطی برجسته می‌شود که تعاریف سنتی از مردانگی و زنانگی نقض می‌شوند، مانند زمانی که زنان از همسر خود درآمد بیشتری دارند؛ در این شرایط، باورهای جنسیتی به احتمال زیاد بر تصمیم‌گیری خیانت مردان و زنان تأثیر می‌گذارد (۲۱). نظریه پردازان متعدد به بررسی این نکته که مسئله خیانت در نظر مردان و زنان به چه صورتی جلوه‌گر می‌شود پرداخته‌اند؛ و به طور کلی به نظر می‌رسد، زنان و مردان تفاوتی در اندازه و چگونگی ترتیب و نظم‌بخشی حسادت ندارند؛ اما به وزنی که به نشانه‌های حسادت می‌دهند تا اندازه زیادی متفاوت هستند (۲۲).

نظریه حساسیت رقابت (Sensitivity theory) (competition)، معتقد است زنان به نشانه‌های خیانت نسبت به مردان حساس‌تر هستند؛ و تمرکز خود را بیشتر بر روی جاذبه‌های رقیب خود که در مجاورت همسر است قرار می‌دهند (۲۳). بسیاری از مطالعات پیشنهاد می‌کنند که عوامل خاصی از شخصیت می‌توانند امکان خیانت زناشویی را

زمان کافی برای مصاحبه، رعایت حداکثر گوناگونی شرکت‌کنندگان و استفاده از تلفیق در جمع‌آوری اطلاعات (مصاحبه - مشاهده و بررسی اسناد موجود)، انجام شد و به این ترتیب اعتبار داده‌ها مشخص گردید. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری، بر اساس نظر استرواس و کوربین (Strauss and Corbin) استفاده شد که ویژگی‌های آن شامل نمونه‌گیری نظری و هدفمند، مقایسه مداوم، کدگذاری و توسعه مفهوم است. از این روش زمانی استفاده می‌شود که با این‌گونه سؤالات مواجه باشیم: آیا تجربیات زندگی بهترین منبع اطلاعات برای پدیده مورد بررسی است؟ این روش مشتمل بر کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است. پس از انجام مصاحبه و ضبط، نوشتن سطر به سطر گفته‌های شرکت‌کنندگان صورت گرفت و واژه‌ها و عبارات عینی شرکت‌کنندگان مشخص شد. سپس نسخه مکتوب شده چندین نوبت برای آشنایی با داده‌ها خوانده شد و فراوانی هر کدام به‌طور جداگانه ثبت گردید. سپس کدهای اولیه و فراوانی هر کدام مشخص شد و مقایسه کدها صورت گرفت. کدهای باز در طبقاتی با عنوان کد محوری جای گرفت و از مجموع کدهای محوری مشابه، کدهای انتخابی استخراج شدند.

### یافته‌ها

در این پژوهش ۱۹ نفر از زوجینی که بیشتر از یک سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذشت مورد مصاحبه قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با مشارکت کنندگان، در مرحله کدگذاری باز ۲۳ مفهوم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری ۶ مفهوم و در نهایت در مرحله انتخابی ۳ مقوله استخراج شد.

یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه گردید. بخش اول شامل داده‌های توصیفی تحقیق و بخش دوم ارائه یافته‌ها و داده‌های کیفی تحقیق بود. ابتدا داده‌های توصیفی شامل ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق (جدول ۱) و سپس یافته‌های تحقیق ارائه شد.

جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته که روش راهنمای مصاحبه عمومی (General interview guide approach) نیز نام دارد، استفاده شد. مصاحبه عمومی راهنمای موضوعات، فهرست سؤالات، یا موضوعات مرتبط با پژوهش است؛ و این آزادی را به مصاحبه‌گر می‌دهد تا به بررسی و پرسش سؤالاتی بپردازد که روشن‌سازی موضوعات خاص را به دنبال دارد. محور سؤالات پژوهش بر مبنای یک سؤال حاصل تجربه واقعی زوجین در زندگی مشترک بود. این سؤال به بررسی تجربیات واقعی زوجین در رابطه با روابط پنهانی پرداخت؛ یعنی مواقعی که برایشان این فرصت وجود داشته است که درگیر این‌گونه روابط شوند ولی به روشی از آن جلوگیری کرده‌اند. سؤال عبارت بود از: آیا تا به حال پیش آمده است که شرایط گرایش به روابط پنهانی برای شما پیش آمده باشد ولی انجام نداده باشید؟ چرا؟

نمونه‌ها شامل ۱۹ نفر (شامل ۷ مرد و ۱۲ زن) بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. نمونه شامل زوجینی بود که متأهل بودند و یک سال از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذشت. فرآیند نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. مصاحبه‌ها به‌صورت فردی و حضوری انجام شد. زمان مصاحبه با هر شرکت‌کننده حدود چهل و پنج دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. در ابتدا به شرکت‌کنندگان پژوهش گفته شد که علاقه‌مند به شنیدن دیدگاه و تجربه آن‌ها از روابط فرزندناشویی می‌باشیم.

در این پژوهش به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، موارد ذیل مدنظر قرار گرفت: ۱- اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بدون ذکر نام استفاده شد. ۲- محرمانه بودن اطلاعات در اول مصاحبه‌ها ذکر شد. ۳- اطمینان داده شد که هیچ‌گاه از اطلاعات به‌دست‌آمده علیه مشارکت‌کنندگان استفاده نخواهد شد. همچنین به‌منظور حفظ صحت و استحکام داده‌ها در این پژوهش و کاهش احتمال داده‌های نادرست از سوی مشارکت‌کنندگان، سؤالات تحقیق به شیوه‌های مختلف و با توضیحات جانبی پرسیده شد. درگیری طولانی‌مدت پژوهشگران با موضوع پژوهش، ارتباط خوب و اختصاص

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	تعداد فرزندان	مدت زمان ازدواج	سطح تحصیلات	سن (سال)
۱	خانم	۳	۲۰	کارشناسی	۴۵
۲	خانم	۳	۱۰	کارشناسی	۴۰
۳	آقا	-	۳	دیپلم	۳۲
۴	آقا	۲	۱۰	کارشناسی ارشد	۳۷
۵	خانم	۱	۱۳	دیپلم	۳۰
۶	خانم	۱	۳	کارشناسی	۲۸
۷	خانم	۱	۱۰	کارشناسی	۳۵
۸	آقا	۲	۲۰	کارشناسی	۴۱
۹	خانم	-	۶	دیپلم	۲۶
۱۰	خانم	۱	۷	دیپلم	۲۵
۱۱	آقا	۲	۲۰	کاردانی	۳۷
۱۲	خانم	۱	۵	کارشناسی ارشد	۲۵
۱۳	خانم	-	۱	دانشجو	۲۰
۱۴	خانم	۲	۲۰	دیپلم	۴۳
۱۵	آقا	-	۵	کارشناسی ارشد	۳۳
۱۶	خانم	-	۱۰	کارشناسی	۳۲
۱۷	خانم	۱	۸	کارشناسی	۳۷
۱۸	آقا	۱	۱۲	دیپلم	۳۸
۱۹	آقا	-	۱	دکتری	۳۲

بررسی داده‌های به دست آمده از پاسخ مصاحبه‌شوندگان به سؤال تحقیق، (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و گزینشی مربوط به داده‌های به دست آمده)، در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. جملات و عبارات مهم شرکت‌کنندگان، کدهای باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	جملات و عبارات مهم
خانواده	فرهنگ و زمینه‌گرایی	توجه به جامعه	اگر برفرض مثال از ۱۰ خانواده برای ۸ تا این اتفاق بیفتد جامعه و نظام خانواده به خطر خواهد افتاد - ما عضوی از جامعه هستیم و نسبت به جامعه خود مسئولیت داریم باید الگوی نسل بعدی باشیم - آخه تو فرهنگ ما این کار رو خیلی زشت میدونن و با سنت ما جور نیست - تو قدیم این مسائل کمتر بود چون سطح فکر و انتظارات و فرهنگ طرفین و کلاً خانواده‌ها هم به هم خیلی نزدیک بود - تو قدیم این روابط کمتر بود چراکه سطح انتظارات و سطح فکر و فرهنگ و در این چیزها به هم نزدیک بودند - اصولاً مردها را زیاد قبول ندارم که بخوام با آنها صمیمی شوم و صحبت کنم - کسی از مردها در شأن من نیست و من خودم رو پایین نمیارم - اگر این اتفاق بیفته خانم‌ها بیشتر ضربه می‌بینند - این طور روابط دردی دوا نمی‌کند - برملا شدن این رابطه عواقب بدتری برای خانم‌ها دارد. - خودم رو می‌گذارم جای همسر و اگه این اتفاق برعکس این بود من چقدر عصبانی و ناراحت می‌شدم و زندگی‌مان می‌پاشید. - زندگی‌مو دو دستی بچسبم که از دستم نره چون اگه همسرم متوجه این موضوع بشه هرگز منو نمی‌بخشه - اگر من این کار رو انجام بدم واسه همسر هم عادی می‌شه و زندگی‌مان از هم می‌پاش - اگر این کار را انجام بدم بعدها این‌گونه روابط برای همسرم نیز عادی شود و مریم می‌گوید که تحمل این قضیه را ندارد - نه تنها به همسرم خیانت می‌شه بلکه حتی به خانوادم و به فرزندانم هم دارم خیانت می‌کنم - الانم بعد از ۱۳ سال زندگی مشترک فقط و فقط به خاطر بچم دارم تحملش می‌کنم - هر چی سنم بالاتر میره و دخترم بزرگ‌تر می‌شه از اون فکریایی که چند سال پیش تو سرم بوده بیشتر خجالت می‌کشم
	فرهنگ و سنت	طرح‌واره جنسیتی	
	دوراندیشی	تدبیر	

عوامل درونی	مذهبت	معنویت	<p>- چون بچه‌ها و آینده شون برام مهم هستن به این قضیه فکر هم نمی‌کنم</p> <p>- من خودم چون فرد معتقدی هستم فکر می‌کنم شرعاً دچار مشکل می‌شم</p> <p>- حتی هیچ‌کسی متوجه نشه، نفهمه و نبینه ولی خدایی بالا سر من هست که اعمال منو ببینه و زیر نظر داره،</p> <p>- مهم‌ترین دلیل وارد نشدن به همچین روابطی این هست که برخلاف اعتقادتم است</p> <p>- معتقد هستم این سختی‌هایی که در زندگی زناشویی خود تحمل می‌کنم امتحان خداوند است پس باید صبر کنم</p> <p>- اعتقاد دارم که خدا در خیلی از مواقع مراقبم بوده و با وجود فراهم بودن شرایط از لغزش من جلوگیری کرده</p> <p>- از نظر شرعی برقراری این‌گونه روابط کار درستی نیست و توی مذهب ما قبول ندارند</p> <p>- فردا خدا ازم می‌پرسه که تو که میدونستی بده چرا این کار رو کردی</p> <p>- حتی با فکر کردن به این قضیه احساس می‌کنم دچار گناه شده‌ام</p> <p>- من فکر می‌کنم رابطه داشتن در صورتی که طرفین مجرد نباشند بزرگ‌ترین گناه دنیا هست</p> <p>- بالاخره ما فامیلیم و اگه اتفاقی بیفته و دیگران هم متوجه این موضوع بشن کلاً من رسوا و بی‌آبرو میشم</p> <p>- دیگه اون موقع همه منو به‌عنوان یه فرد خائن میبینن و سرم رو نمیتونم بلند کنم</p> <p>- تنها دلیلی که باعث شده من تا الان سمت این جور چیزا کشیده نشم فقط و فقط ترس از رسوایی و بی‌آبرویی بوده</p> <p>- اون موقع اگه رسوایی به بار بیاد من دیگه نمی‌تونم سرمو بلند کنم جلوی دوست و آشنا</p> <p>- رفتن سمت گناه نه تنها مشکلی از وی را حل نمی‌کند بلکه باعث بی‌آبرویی او می‌شود.</p> <p>- یه زن همچین خلافتی رو مرتکب بشه اون موقع حکمش میشه سنگسار</p> <p>- خیلی وقت‌ها می‌تونستم یا می‌خواستم این کار رو کنم ولی ارزش خیلی می‌ترسم</p> <p>- اگه همسرم متوجه این قضیه شود هم برای من هم برای این خودش دردسر درست می‌کند</p> <p>- من می‌ترسم که همسرم تلافی شو سر بچه‌ها در بیاره و اونارو اذیت کنه</p> <p>- بیشتر خجالت می‌کشم و از خودم شرمند میشم و عذاب وجدان می‌گیرم</p> <p>- از فکر کردن به این موضوع ترس و عذاب وجدان می‌گیرم</p> <p>- برای هرکس اتفاق بیفتد پس باید همیشه مواظب بود و احتیاط کرد</p> <p>- آدم زمانی ضربه می‌خوره که حواسش نیست و انتظار و توقع نداره</p> <p>- خب من وقتی متوجه می‌شوم که اینقد قضیه جدی است رفت‌وآمد خودم را به موسسه بسیار کم و محدود می‌کنم</p> <p>- به این نتیجه رسیدم که حتی درددل کردن هم اشتباه هست و باعث برداشت سو می‌شود</p> <p>- من آدم احساساتی هستم به همین دلیل حتی اگه طرف مقابل لغزش نداشته باشه از خودم مطمئن نیستم</p> <p>- وقتی اراده‌ها سست می‌شه این مسائل راحت‌تر میشه و آدم کنترلی روش نداره</p> <p>- کسای میرن سمت این کار که به خودشون اعتماد ندارند</p> <p>- من واسه خودم ارزش قائل هستم و از من بعیده همچین کاری انجام بدم</p> <p>- ولی هرگز این کار و نکردم چون الان من یه مرد متأهل و متعهد نسبت به همسرم هستم</p> <p>- پایبندی برای حفظ زندگی و محیط و خانواده‌ای که خودش آن را تشکیل داده</p> <p>- من فکر می‌کنم این نوع رابطه‌ها درست نیست چون من متأهل و متعهد به خودم و زندگی هستم</p> <p>- هر فردی وقتی ازدواج میکنه مسئولیتش چندین برابر میشه نسبت به همسر و خانواده‌اش</p> <p>- من به حفظ زندگی و خانواده‌ای که خودم ساختم پایبندم و به این سادگی از دستش نمیدم</p> <p>- این اصلاً به ذات خود آدم برمی‌گرده، منظورم از ذات تربیت خانوادگی فرد هست</p> <p>- میزان اعتقادات فرد خیلی مهمه، نه این که حتماً مذهبی باشه مثلاً به حق دیگران تجاوز نکنه</p> <p>- آدم باید از اصولی تبعیت کنه که بعداً خودش با خودش درگیر نشه</p> <p>- چون اینقد هیجان توی زندگیم دارم که نخوام به همچین چیزی فکر کنم</p> <p>- این قدر وقتم با باشگاه و فعالیت و کار پر هست که وقتی برای این کارها ندارم</p> <p>- آدم باید برای همه چیز برنامه داشته باشه، تفریح بجاش باشه و یازبگوشی و شیطنت به جای خودش باشه که بکنواخت نشه</p> <p>- روزبه‌روزم که میگذره علاقه و احساسمون نسبت به هم عمیق‌تر و بیشتر میشه</p> <p>- ولی من این قدر همسرم رو دوست دارم که اصلاً حتی ۱ درصدم به این موضوع فکر نکردم</p> <p>- وقتی من عاشق طرفم چه دلیلی داره به این مورد فکر کنم</p> <p>- علاقه و احساس بین ما برای من خیلی مقدس و ارزشمند هست</p> <p>- رابطه با همسرم خیلی مهم هست و من از لحاظ احساسی به او وابسته هستم</p> <p>- طرف من باید عاطفه داشته باشه و اینو به من نشون بده</p> <p>- من واسه خودم و همسرم و رابطمون احترام و ارزش زیادی قائل هستم و نمی‌خوام با چیزی عوضش کنم</p> <p>- خیلی واسم مهمه که همیشه احترام منو داره و حس خوبی بهم میده</p> <p>- مشکل همیشه هست ولی آدم باید گذشت و فداکاری داشته باشه و دنبال بهونه نگرده</p> <p>- اگه گذشت نداشته باشیم که سنگ روی سنگ بند نمیشه</p>
	احساس گناه	ترس و ناراحتی	
	ترس از آبرو		
	ترس از همسر		
	وجدان		
	خودکنترلی و خودمراقبتی	خودآگاهی	
	داشتن اعتماد به نفس		
	مسئولیت و تعهد		
	اصالت وجودی		
	عدم یکنواختی		
عشق و علاقه	صمیمیت معنوی		
متقابل			
وابستگی احساسی			
احترام متقابل			
گذشت متقابل			

عوامل درونی

عوامل ارتباطی

اعتماد متقابل	- پادامه خیلی وقتها اشتباه هم کرده ولی من به خاطر زندگی‌مون گذشت کردم - باعث بی‌اعتمادی همسر من نسبت به خودم می‌شوم و این بی‌اعتمادی کم‌کم به بقیه زندگی سرایت می‌کند - دوست ندارم اعتمادی که همسر بهم داده رو خدشه‌دار کنم و از بین ببره - نمی‌خواهم اعتمادی که با زحمت به دست اومده راحت از بین بره، من فکر می‌کنم اعتماد ارزش داره - وقتی می‌آید خونه بوی خوب بدهد و خوش لباس باشه تا چشمم دنبال کسی نباشه - من تمیزی و بهداشت خیلی خیلی مهم هست برام - من اینکه طرفم به خودش برسه و نظر من رو مهم بدونه واسم خیلی مهمه - به نظر من رابطه جنسی خیلی مهم هست حتی به اندازه رابطه عاطفی - من فاکتور رضایت جنسی رو خیلی مهم میدونم و اگه درست باشه بقیه چیزها هم درست میشه - به نظر من همه مسائل واسه رسیدن به نوک قله یعنی رابطه جنسی خوب هست و اگه درست باشه مشکلی پیش نمیداد - ما همه چیز رو سعی می‌کنیم به هم بگیم - چون از اول همیشه باهم صادق و روراست بودیم و هیچی رو از هم مخفی و پنهان نکردیم - هر موقع کسی برام مزاحمتی ایجاد کرد زود بهش بگم و چیزیو از همدیگه مخفی نکنیم و طرفم هم بگه - یکی از عواملی که باعث شد که من وارد این روابط نشوم مشورت و راهنمایی دوستم بود - این که آدم بره پیش مشاور و روانشناس خیلی میتونه کمک کنه - باید از زمان مدرسه درباره مسائل جنسی و این نوع روابط آموزش داده بشه
ظاهر مطلوب از صمیمیت	
نظر طرف مقابل رابطه	
رضایت جنسی	
رابطه مطلوب	
مشورت، آموزش	

### بحث

دانستن مواردی که باعث پیشگیری از روابط پنهانی در زندگی زوجین می‌شود از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد؛ اول برای خود زوجین تا با دانستن موارد حساس و قابل تأمل به تقویت و همچنین رفع موانع بپردازند و دوم برای مشاوران و روان‌درمانگران از حیث حیطه‌هایی که تمرکز و مداخله بیشتری را می‌طلبد (۳۱). نتایج حاصل از این پژوهش با بررسی کدگذاری‌های باز، مجوری و انتخابی از مطالب به دست آمده از مصاحبه با کنشگران مطالعه، نشان داد که ۳ دسته عوامل درونی، بیرونی و ارتباطی را می‌توان به‌عنوان عوامل بازدارنده از روابط فرزندناشویی عنوان کرد؛ که از این میان عوامل مذهبی، ترس، آبرو و تعهد به‌عنوان عوامل درونی، عشق و علاقه متقابل بین زوجین به‌عنوان عوامل ارتباطی و فرهنگ و سنت و خانواده به‌عنوان عوامل بیرونی، به دلیل فراوانی بیشتری که در مصاحبه با افراد مورد مطالعه داشتند، از اهمیت بالاتری برخوردار بودند.

**اولین مورد عوامل درونی** بود که زیربنای آن را خودآگاهی، معنویت، ترس‌ها و تعهد و مسئولیت می‌سازند، مواردی که طرح‌واره‌های شناختی از یک طرف؛ و از طرف دیگر مهارت‌های خودشناسی برگرفته از خانواده و محیط نقش بسزایی در آن بازی می‌کند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه

نیز، الگوهای هیجانی و شناختی خود شکننده‌ای هستند که در جریان رشد آغاز می‌گردند؛ و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرح‌واره‌های ناسالم وی باشد. فرآورده‌های ذهنی نقشی انکارناپذیر را در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها بازی می‌کنند. تعدادی از پژوهشگران با در نظر گرفتن خیانت به‌عنوان یک مسئله شخصی، بر ویژگی‌های درون فردی نظیر تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به ویژه در بعد عاطفی و جنسی، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده، برون‌گرایی، ضعف نیروی تعهد، کینه‌ای و انتقام‌جو بودن به‌عنوان علل اصلی خیانت تأکید می‌کنند (۳۲). افرادی که در فکر و تخیلاتشان مدام به شخصی دیگر می‌اندیشند، از آنجا که زاده ذهنشان است، آن فرد شخصی ایده آل برایشان به شمار می‌آید؛ در این زمان است که برای زندگی مشترک خطر می‌آفریند، چرا که آن شخص دائماً شریک زندگی‌اش را با فرد ایده آل ساخته ذهنش مقایسه می‌کند و چون در حال قیاس است، در ارتباط با همسرش به مشکل برمی‌خورد و رابطه سرد می‌شود (۳۳).

نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان می‌دهد؛ هر چه اعمال و باورهای مذهبی بیشتر باشد مسئله خیانت به تأخیر می‌افتد، چرا که اتصالی عمیق و درونی اتفاق می‌افتد. در راستای

بالاتری قرار داشت (۳۸). برخی از نگرش‌های افراد، آن‌ها را به سمت رفتارهای خیانت بار سوق می‌دهد این نگرش‌ها ریشه‌های تاریخی و فرهنگی داشته و در مردان احساس محق بودن ایجاد می‌کند (۳۹). Treas و Giesen بر این باور بودند، افرادی که فرصت بیشتری برای بی‌وفایی و روابط پنهانی داشتند و به عواقب کار نمی‌اندیشیدند به احتمال بیشتر اقدام به این کار می‌کردند (۴۰). از طرفی می‌توان این‌گونه بیان کرد که زمینه اجتماعی و فرهنگی یک عامل کلیدی در درک چگونگی فرآیندهای ارتباطی بین زن و شوهر است. هنجارهای اجتماعی نیز حامل پیام‌های ضمنی در مورد مسئولیت زنان و مردان در مورد رابطه می‌باشد. این پیام‌های زمینه‌ای می‌تواند رسیدن به نیازها و جلوگیری از آن‌ها را دشوارتر کند (۴۱). Williams و Knudson-Martin به نقل از سالیوان اشاره می‌کند که زوجین به دنبال رابطه برابر در روابط اصلی خود می‌گردند. با این حال، برابری جنسیتی یک ساختار سخت برای مردان و زنان است (۴۲).

**سومین مورد عوامل ارتباطی** شامل عشق، علاقه، حمایت، اعتماد و گذشت متقابل بود و ۲ نوع صمیمیت را شامل می‌شد: ۱- صمیمیت معنوی ۲- صمیمیت ارتباطی. عوامل ارتباطی بر مواردی تأکید دارد که مخصوصاً در رابطه بین زوجین رخ می‌دهد و میزان صمیمیت آن‌ها را در ابعاد مختلف پیش‌بینی می‌کند. این که زوجین چه میزان می‌توانند در ابعاد عاطفی و جنسی همدیگر را ارضا کنند و متعهد به هم باشند و یا در صورت کمبود در این موارد، ارتباط مؤثر در جهت رفع آن برقرار کنند، در حق همدیگر گذشت کنند و در نهایت به هم اعتماد کنند می‌تواند بر استحکام رابطه بین آن‌ها مؤثر باشد. در همین راستا می‌توان به این مورد اشاره کرد که پژوهشگران اختلال در روابط بین فردی نظیر نارضایتی عاطفی، نارضایتی جنسی، افزایش تعاملات منفی نسبت به تعاملات مثبت را به‌عنوان علل خیانت گزارش می‌کنند و معتقدند که خیانت، حاصل نقص در رابطه زوجی است و تنها در رابطه ملال‌آور و آشفته اتفاق می‌افتد (۴۳). نقش ارتباط و تعامل مؤثر بسیار در کیفیت رابطه زوجین پررنگ است، اگرچه موانع مختلفی در درک صحیح پیام‌ها

همین نتایج و در زمینه معنویت و مذهب شواهدی وجود دارد که عنوان می‌کند، فعالیت‌های معنوی در تأثیرگذاری نتایج بهداشت روانی و رابطه سالم و مثبت افراد تأثیرات انکارناپذیری داشته است (۳۴). در چندین مطالعه گزارش شده است که مشارکت‌های مذهبی خطر درگیر شدن در خیانت جنسی را در افرادی که ازدواج رضایت بخشی داشتند کاهش می‌داد. مورد مهمی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، ترس از رسوایی و بی‌آبرویی و خانواده بود. خیانت ممکن است در شخص خائن سبب ایجاد ترس کند، به‌گونه‌ای که به‌طور ناخودآگاه از این بیمناک می‌گردد که شاید شریکش او را ترک کند؛ و در این میان شاید ترس از آینده‌ی فرزندان و دیگر مشکلات همراه با آن نیز به میان آورده شود (۳۵،۳۶). تعهد و مسئولیت‌پذیری نیز یکی از فاکتورهای مهم در جلوگیری از روابط فرزندناشویی بود؛ که در تجربه کنشگران مطالعه، مورد توجه قرار گرفته بود. تعهد و مسئولیت چه زمانی که متوجه درون فرد است و چه زمانی که در رابطه متبلور می‌شود؛ از عوامل مهم ذکر شده در مصاحبه‌ها بود. تعهد درونی زوجین نسبت به حفظ رابطه، تقویت اندیشه‌های معنوی بازدارنده و بهبود صمیمیت ارتباطی، در کاهش گرایش زوجین به خیانت زناشویی مؤثر می‌باشد و توسط تعداد زیادی از پژوهشگران به‌عنوان عوامل بازدارنده مورد تأکید قرار گرفته‌اند (۳۷).

**دومین مورد عوامل بیرونی** بود که بافت و زمینه، عوامل فرهنگی، دوراندیشی درباره عواقب کار و خانواده با محوریت فرزند اساس آن می‌باشند. این که افراد چه نگاهی به مسائل خیانت داشته باشند؛ تا حدود زیادی وابسته به عوامل قومیتی و فرهنگی بود که در آن رشد کرده بودند. برای مثال مطالعات و پژوهش‌های بالینی در جوامع آسیایی و اروپایی حاکی از آن بود؛ که برای گستره عظیمی از افراد، وفاداری در قالب روابط زناشویی از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است؛ بیشتر این افراد، رابطه تک-همسری و پایبندی به تعهد انحصار جنسی و عاطفی، در قالب این پیوند را موردپذیرش و تأکید قرار می‌دادند، تأکیدی که میزان آن در جوامع آسیایی، نسبت به جوامع اروپایی در سطح



وجود دارد (مانند تجارب گذشته، پیش‌فرض‌های ذهنی، عوامل فرهنگی)، اما همین که زن و شوهر بتوانند برای رساندن منظور خود تلاش کنند و با صراحت، شفافیت، قاطعانه و مستقیم خواسته‌های خود را ابراز نمایند؛ همچنین بازخورد مناسبی به رفتارها و پیام‌های همسرشان نشان دهند، گام بزرگی در جهت ارتقای رابطه و تغییر مطلوب آن برداشته‌اند (۴۴). شواهد نشان می‌دهد که مردان و زنان با طرح‌واره عشق ایمن بهتر از دیگران قادر به برقراری و حفظ روابط صمیمانه و باثبات هستند، شریک عشقی‌شان را قابل اعتماد و در دسترس می‌دانند و روابطشان توأم با رضایت، صمیمیت و تعهد است، اما در مقابل افراد با طرح‌واره‌های بی‌ثبات و کناره‌گیر به دلیل سطوح پایین تعهد، صمیمیت و علاقه روابط خود را با تمایلات جنسی تعریف کرده و با درگیر شدن در روابط کوتاه مدت خود را از آسیب‌پذیری روان‌شناختی نسبت به صمیمیت و تعهد بلندمدت دور نگه می‌دارند. احتمال از هم پاشیدگی و جدایی در همسران دارای طرح‌واره‌های ناسازگار رهاشدگی، بی‌اعتمادی و بدرفتاری، کاستی و بی‌مهری همچنین محرومیت هیجانی بسیار زیاد است. نتایج بررسی یک پژوهش نشان داده است؛ نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی با همسر یکی از مهم‌ترین عوامل در تبیین روابط فرزاناشویی محسوب می‌شود؛ که دلیل آن می‌تواند عدم آگاهی و یادگیری مهارت‌های زناشویی یا اختلالات جنسی زوجین باشد؛ بنابراین هر چه زوجین از این مهارت‌های ارتباطی کمتر برخوردار باشند زمینه‌ی بروز بی‌توجهی و ارضاء نکردن نیازهای یکدیگر، کاهش علاقه و درنهایت خیانت بیشتر فراهم می‌شود.

می‌توان اذعان کرد؛ کیفیت رضایت زناشویی تعیین‌کننده مهمی جهت پایداری و دوام زندگی مشترک است؛ و زمانی که زوجها بتوانند سطح رضایت را در زندگی زناشویی افزایش دهند، خانواده را از آسیب‌ها محفوظ می‌دارند. رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع همان احساس خشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه چندان کوتاه را سپری می‌نماید (۴۵). مقوله آموزش و مشورت نیز نقش مهمی را در جلوگیری از خیانت ایفا می‌کند. این مقوله در دو بعد می‌تواند

در جلوگیری از این نوع روابط اثرگذار باشد، اول آموزشی که در سنین پایین و در مدارس به افراد داده می‌شود و دوم در بزرگسالی از طریق آموزشی که متخصصین حوزه روان به افراد می‌دهند. Darghouth و همکاران به نقل از مانچ دریافت که ارتباط مثبتی بین فرصت‌های آموزشی و خیانت جنسی در بین مردان وجود دارد (۴۶). یکی دیگر از مقوله‌ها داشتن روابط مطلوب با همسر است، ابراز کردن و خود افشایی که مشخصه روابط صمیمی است می‌باشد؛ که موجب می‌شود تا زن و شوهر مسائل شخصی خود، احساسات، نیازها و هر آنچه مربوط به آن‌ها و رابطه‌شان است را باهم در میان بگذارند و این مسئله به شفافیت رابطه‌ی زناشویی آنان کمک می‌کند. در واقع آنچه در مورد خیانت زناشویی مطرح است، ماهیت پنهان کارانه‌ی آن است؛ که آشکار شدن آن گاهی چنان طرف مقابل را غافل‌گیر می‌کند که حتی چرایی خیانت همسر خطاکار نیز برای او روشن نیست و معنای کار او را درک نمی‌کند (۴۷). در انتها می‌توان این نکته را اضافه کرد که مراقبت، تعهد و مسئولیت علاوه بر بعد درونی که مربوط به درون هر فرد است، برای ظهور و بروز یافتن نیاز به ارتباط با دیگران دارد؛ که می‌تواند صمیمیت را در ابعاد مختلف تقویت کند. همان‌طور که شرکت‌کنندگان در طول پژوهش اعلام کردند که ما بعد از ازدواج به خودمان و دیگران پایبند و متعهد هستیم و همین که از دواج می‌کنیم، دیگر فقط خودمان نیستیم و مسئول یک زندگی، همسر و فرزندان هم هستیم؛ به عبارتی بسیاری از مفاهیم به دست آمده در قالب مقوله‌های عمده این تحقیق، با مفهوم تعهد در ارتباط بودند و می‌توان گفت هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این بین تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین و مؤثرترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (۴۸).

در نهایت آن چیزی که از نتایج این تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد این است که در هر ۳ سطح بیرونی، درونی و ارتباطی باید در حال مکاشفه و ارتقاء کیفیت باشیم؛ که در این راستا توجه واقعی به نیازهای خود فرد و استفاده از مهارت‌های خود کنترلی و استفاده از افراد آگاه و مربوط به این حوزه می‌تواند کمک‌کننده باشد. در یک جمع‌بندی کلی

مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت/سال ۸/شماره ۱/بهار ۱۳۹۸

میدارند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر میتواند در کمک به تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در زمینه خیانت زناشویی مورد استفاده قرار بگیرد.

### تشکر و قدردانی

محققان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر و قدردانی خود را از همکاری کلیه شرکت کنندگان در این پژوهش را اعلام دارند.

### تضاد منافع

در انجام مطالعه حاضر نویسندگان هیچگونه تضاد منافی نداشته‌اند.

می‌توان گفت خانواده کوچک‌ترین و در عین حال از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود؛ که با پیوند زن و مرد پایه‌ریزی می‌شود و نحوه این پیوند در جوامع و فرهنگ‌های مختلف صور گوناگونی دارد، اما چیزی که در بیشتر جوامع بر آن تأکید شده است، حفظ و نگهداری این زوجیت و متعهد بودن به ارتباط‌های زناشویی است.

### نتیجه‌گیری

توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت بررسی عواملی که آرامش و ثبات خانواده را به عنوان سنگ زیربنای جامعه تهدید می‌کند ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش کنونی مشخص شد که مجموعه‌ای از عوامل درونی، بیرونی و ارتباطی افراد را از روابط فرزاناشویی مصون

## References

1. Akbari Z, Shafiabadi A, Honarparvaran N. Comparison of attachment style in married men with extramarital relationships and no extramarital relations. *Thought & Behavior in Clinical Psychology* 2011; 5(20): 25-30. [In Persian].
2. Vaillancourt-Morel MP, Dugal C, Poirier Stewart R, Godbout N, Sabourin S, Lussier Y, et al. Extradynamic sexual involvement and sexual compulsivity in male and female sexual abuse survivors. *J Sex Res* 2016; 53(4-5): 614-25.
3. Loudová I, Janiš K, Haviger J. Infidelity as a threatening factor to the existence of the family. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 2013; 106: 1462-9.
4. Modarresi F, Zahedian H, Hashemi Mohammad Abad SN. The rate of marital fidelity and quality of love in divorce applicants with and without marital infidelity precedent. *Armaghane Danesh* 2014; 19(1): 78-88. [In Persian].
5. Perel E. After the storm. *Psychotherapy Networker* 2010; 34(4): 29-33.
6. Schonian S. Perceptions and definition of infidelity: A multi method study [dissertation]. Las Vegas: University of Nevada; 2013.
7. Strong B, Cohen TF. *The Marriage and Family Experience: Intimate Relationships in a Changing Society*. 12th ed. Canada: Wadsworth Publishing; 2013.
8. Peluso PR. *Infidelity: A Practitioner's Guide to Working with Couples in Crisis*. Routledge; 2007.
9. Allen ES, Rhoades GK, Stanley SM, Markman HJ, Williams T, Melton J, et al. Premarital precursors of marital infidelity. *Fam Process* 2008; 47(2): 243-59.
10. Salio M, Puleston DJ, Mathan TS, Shepherd D, Stranks AJ, Adamopoulou E, et al. Essential role for autophagy during invariant NKT cell development. *Proc Natl Acad Sci U S A* 2014; 111(52): E5678-87.
11. Hall JH, Fincham FD. Psychological distress: Precursor or consequence of dating infidelity? *Pers Soc Psychol Bull* 2009; 35(2): 143-59.
12. Amato PR, Previti D. People's reasons for divorcing gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues* 2003; 24(5): 602-26.
13. Bingham A, Bishop A, Coffey P, Winkler J, Bradley J, Dzuba I, et al. Factors affecting utilization of cervical cancer prevention services in low-resource settings. *Salud pública de México* 2003; 45(SUPPL 3): S408-16.
14. Miller RB, Nunes NA, Bean RA, Day RD, Falceto OG, Hollist CS, et al. Marital problems and marital satisfaction among Brazilian couples. *Am J Fam Ther* 2014; 42(2): 153-66.

15. Hebert RS, Weinstein E, Martire LM, Schulz R. Religion, spirituality and the well-being of informal caregivers: a review, critique, and research prospectus. *Aging Ment Health* 2006; 10(5): 497-520.
16. Azizi A. The effectiveness of training Islamic Centered Married Couples Therapy on the optimism and conjugational commitment of the student couples. *Advances in Environmental Biology* 2014; 8(9): 726-32.
17. Schoebi D, Karney BR, Bradbury TN. Stability and change in the first 10 years of marriage: Does commitment confer benefits beyond the effects of satisfaction? *J Pers Soc Psychol* 2012; 102(4):729-42.
18. Wright TM, Reise SP. Personality and unrestricted sexual behavior: correlations of sociosexuality in caucasian and Asian college students. *J Res Pers* 1997; 31(2): 166-92.
19. Petersen JL, Hyde JS. A meta-analytic review of research on gender differences in sexuality, 1993–2007. *Psychol Bull* 2010; 136(1): 21-38.
20. Atkins DC, Baucom DH, Jacobson NS. Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *J Fam Psychol* 2001; 15(4): 735-49.
21. Maass A, Cadinu M, Guarnieri G, Grasselli A. Sexual harassment under social identity threat: The computer harassment paradigm. *J Pers Soc Psychol* 2003; 85(5): 853-70.
22. Takahashi H, Matsuura M, Yahata N, Koeda M, Suhara T, Okubo Y. Men and women show distinct brain activations during imagery of sexual and emotional infidelity. *NeuroImage* 2006; 32(3): 1299-307.
23. Ein-Dor T, Perry-Paldi A, Hirschberger G, Birnbaum GE, Deutsch D. Coping with mate poaching: gender differences in detection of infidelity-related threats. *Evol Hum Behav* 2015; 36(1): 17-24.
24. Bourdage JS, Lee K, Ashton MC, Perry A. Big Five and HEXACO model personality correlates of sexuality. *Pers Individ Dif* 2007; 43(6): 1506-16.
25. Fredman N, Sherman R. *Handbook of measurements for marriage and family therapy*. Philadelphia: Brunner, Mazel; 1987.
26. Tänzler JK, Keese D, Hauer A. Ausbildungsbeteiligung als Element Einer Nachhaltigen Unternehmensführung in mittelständischen Familienunternehmen. In: Meyer JA. *Nachhaltigkeit in kleinen und mittleren Unternehmen*. Lohmar: Eul; 2011. p.165-82. [In German].
27. Giddens A. *The Consequences of Modernity*. John Wiley & Sons; 2013.
28. Edalati A, Redzuan M. Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science* 2010; 6(4): 132-7.
29. Cohen L, Manion L, Morrison K. *Research Methods in Education*. 7th ed. New York: Routledge; 2011.
30. Ritchie J, Lewis J, Nicholls CM, Ormston R. *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*. 2nd ed. Thousand Oaks, California, United States: SAGE Publications Ltd; 2014.
31. Dreikurs R. *The Challenge of Marriage*. 3rd ed. USA: Taylor & Francis; 1998.
32. Zengel B, Edlund JE, Sagarin BJ. Sex differences in jealousy in response to infidelity: Evaluation of demographic moderators in a national random sample. *Pers Individ Dif* 2013; 54(1):47-51.
33. Williams K. *Development of a contextual model for the treatment of infidelity [dissertations]*. Loma Linda, California: Loma Linda University; 2012.
34. Fincham FD, Lambert NM, Beach SR. Faith and unfaithfulness: Can praying for your partner reduce infidelity? *J Pers Soc Psychol* 2010; 99(4): 649-59.
35. Sabini J, Green MC. Emotional responses to sexual and emotional infidelity: Constants and differences across genders, samples, and methods. *Pers Soc Psychol Bull* 2004; 30(11): 1375-88.
36. Denes A, Lannutti PJ, Bevan JL. Same-sex infidelity in heterosexual romantic relationships: Investigating emotional, relational, and communicative responses. *Personal Relationships* 2015; 22(3): 414-30.
37. Fox J, Osborn JL, Warber KM. Relational dialectics and social networking sites: The role of Facebook in romantic relationship escalation, maintenance, conflict, and dissolution. *Comput Human Behav* 2014; 35: 527-34.
38. Barbaro N, Pham MN, Shackelford TK. Solving the problem of partner infidelity: Individual mate retention, coalitional mate retention, and in-pair copulation frequency. *Pers Individ Dif* 2015; 82: 67-71.
39. Gómez JM. *Cultural betrayal trauma theory [dissertation]: The impact of culture on the effects of trauma. Blind to betrayal*. Eugene: University of Oregon; 2012.
40. Treas J, Giesen D. Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *J Marriage Fam* 2000; 62(1): 48-60.
41. Schmidt AE, Green MS, Prouty AM. Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: a contextual perspective. *J Fam Ther* 2015; 38(3): 386-408.
42. Williams K, Knudson-Martin C. Do therapists address gender and power in infidelity? A feminist analysis of the treatment literature. *J Marital Fam Ther* 2013; 39(3): 271-84.

43. Amato PR, Anthony CJ. Estimating the effects of parental divorce and death with fixed effects models. *J Marriage Fam* 2014; 76(2): 370-86.
44. Hojatpanah M, Zanjirkohan Z. The relationship between sexual satisfaction, marital satisfaction and life satisfaction of spouses. *Journal of Amin vision* 2013; 1(1):8. [In Persian].
45. Munsch CL. The science of two-timing: the state of infidelity research. *Sociol Compass* 2012; 6(1): 46-59.
46. Darghouth S, Brody L, Alegría M. Does Marriage Matter? Marital Status, Family Processes, and Psychological Distress among Latino Men and Women. *Hisp J Behav Sci* 2015; 37(4): 482-502.
47. Eslamzadeh B, Esmaily M, Somaye K. The mediation role of internet addiction between social support of family scale and marital commitment. *J Chem Pharm Res* 2015; 7(8): 935-41.
48. Egan V, Angus S. Is social dominance a sex-specific strategy for infidelity? *Pers Individ Dif* 2004; 36(3): 575-86.

## Qualitative Analysis of Preventing Factors for Extramarital Relationships in Married Couples

Babak Eslamzadeh<sup>1</sup> , Fatemeh Sadeghi<sup>2</sup>, Masoume Esmaily<sup>3</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Introduction:** Extramarital relationships is one of the most important factors threatening marriage between couples. As understanding the preventing factors has a very high value in maintaining the quality of marriage, therefore, the present study was conducted to explain the experiences of married couples about the preventing factors for extramarital relationships.

**Method:** This qualitative study was conducted using a phenomenological approach. The samples were selected from couples who got married one year ago, for this purpose, 19 couples were selected using purposeful sampling. Data were collected using semi-structured in-depth interviews until data saturation. Data were analyzed using coding technique (Strauss and Corbin) with a focus on the theoretical and purposeful sampling, and concept development.

**Results:** In this study, three categories of factors including internal factors (self-awareness, spirituality, and fear), external factors (context, culture, foresight, and family), and relational factors (spiritual intimacy and relational intimacy) were identified as the effective preventing factors for extramarital relationships.

**Conclusion:** It seems necessary to determine the factors threatening the comfort and stability of the family as the cornerstone of society. In the present study, it was found that a set of factors including internal, external, and relational factors, protected couples from extramarital relationships. The results of this study can be used in the development of preventive and therapeutic programs in the areas of marital infidelity.

**Keywords:** Qualitative study, Preventing factors, Marriage, Extramarital relations

**Citation:** Eslamzadeh B, sadeghi F, Esmaily M. **Qualitative Analysis of Preventing Factors for Extramarital Relationships in Married Couples.** J Qual Res Health Sci 2019; 8(1): 83-95. [In Persian]

Received date: 09.04.2016

Accept date: 29.10.2017

Published: 20.06.2019

1- PhD Student of Counseling, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2- M.Sc. in Family Counseling, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3- Associate Professor, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Corresponding Author:** Babak Eslamzadeh, Email: Babak.eslamzadeh@gmail.com